

صاحبه با آقاي ديزجي : شركت اسباب بازي فكر آذین

نام: آقاي ديزجي
شركت: اسباب بازي فكر آذین
نام محصول: فكر آذین
تخصیلات: لیسانس فني

از كودكي دوست داشتم دو شغل داشته باشم يكي كتابفروشي و ديگري توليدكننده. در دوران خدمت جايي كار مي كردم كه به هر حال به نوعي كار طراحي انجام مي داديم يعني دور از فضاي خلاق نبوديم فضايي كه نياز به خلاقيت داشت در آن زمان واحد ما واحد طراحي بود كه البته طراحي نظامي مقطعي هم بود كه بعد از دوران انقلاب وبعد مسائل جنگ كه ما زياد از حوزه كاريمان دور نشده بوديم با دوستانم مشورت كرديم متوجه شديم فضا از لحاظ اقتصادي مناسب وبكر است وصاحب اسباب بازيهاي فكري كه از خارج آنها را وارد مي كرده بعد از جنگ از ايران خارج مي شوند واين خلع احساس مي شود. قسمتي از بازيهاي فكري هم كه قرار بود از خارج وارد شود چون هماهنگي با فرهنگ ما نداشت بسيار دست نخورده بود يعني كاري طراحي نشده بود كه در بحث فرهنگي ما بايد لحاظ مي شد ما شروع كرديم به اين كار حقيقتاً ابتدا با فرمايش امام اين قضيه سرعت پيدا كرد ، شطرنج حلال شد ومشكل شرعیش برداشته شد ما ابتدا يك شطرنج مغناطیسی طراحي كرديم ، شطرنج جیبی مغناطیسی كه حقیقتاً موفق هم بود.

شطرنج يكي از اولين محصولات ما بود كه با توجه به اينكه مي خواستيم اين كار ما كاري فكري باشد و شطرنج نيز كار بسيار موفقي بود هم از لحاظ طراحي وهم از لحاظ جيبی بودن وبسيار كار بودن وبه هر حال از استقبال خيلي جدي برخوردار شد. خود اين قضيه باعث شد كه ما اعتماد به نفس بيشتري پيدا كنيم، و شروع كرديم به سرعت در زمينه فكري ، يعني بيشتري فكر كردن وصحبت كردن وكار بيشتري وبروي نمونه هاي خارجي هم كار كرديم البته تنها نرفتيم سراغ كارهاي كپی بلکه ایده مي گرفتيم وروي آنها كار مي كرديم تا هم پخته تر شود وبا سليقه ايراني جور در آيد وهم با خلاقيت خودمان باشد.

از همان ابتدا با مراكز آموزشي ارتباط داشتيم حتي خارج از ايران وبا واحدهائي كه توليد كننده آنها به طور تخصصي در زمينه فكري در دنيا كار كردند تا جايي كه توان داشتيم از همان ابتدا با آنها ارتباط برقرار كرديم با آنها تماس داشتيم از كتابهايشان استفاده كرديم و قاعدتاً از همان ابتدا با خارج از كشور ارتباط برقرار كرديم.

ابتدا همان يك كارمان كه شطرنج بود را در نمايشگاههاي لبنان، قبرس و كشورهاي آسياي ميانه عرضه كرديم وبه مرور زمان در بيش از ۱۵-۱۰ كشور دنيا جنسهايمان را عرضه كرديم.

ما تمام سرمايه وحرکت خودمان را تعيين مي كنيم هيچ كمك مالي، اقتصادي از جاهاي ديگر نگرفتيم و انرژي اصلي ما همان علاقه به اين كار است ما خيلي از كارها را توليد مي كنيم. نقطه سر به

سري با توجه به شرايط نامناسب بازار اصلاً منطقي نيست بيشتر آن انرژي كه خودمان اعتقاد داريم كار قشنگي است خودمان توليد مي كنيم و حتي به خارج نيز صادر مي كنيم .

ما در مجموعه داخلي خودمان از مرحله ايده تا اجرا زمان زيادي را از دست داده ايم و قضيه اي كه كار را مشكوك مي كند باعث مي شود كه آن كار دوباره بررسي گردد و عواقب و نتايج آن در نظر گرفته شود. متأسفانه اين تناقض ما را كند مي كند و اين مشكل در تصميم گيري تأثير مي گذارد.

پيتش نيازهايي كه براي ما نيست براي كارهاي جنبي مي گذاريم اينها باعث مي شود سرعت عمل از ما گرفته شود.

دولت بودجه كمی را براي اشتغال زايي اختصاص داده است اما تجربه كافي در اين كار را ندارد و اين كار احتياج به يك حركت اجتماعي دارد و اگر دولت بخواهد در اين مقطع و بخش صادرات از ما حمايت كند بايد در كشورهاي ديگر تحقيق كنند و ضعفهاي ما را مشخص نمايند و كمك كنند تا آنها را برطرف كنيم . به جلو پيشرفت نماييم. البته مشكل فرهنگي هم داريم كه نه تنها در كشور ما بلكه در تمام كشورهاي دنيا رايج گرديده كه همه مي خواهند در كوتاه مدت و يك شبه پول دار شوند. در حال حاضر تفكر و فرهنگ بر اين پايه است كه يك شبه مي توان ثروتمند شد اما اين قضيه اصلاً درست نيست و حتي اگر وضع اقتصادي از اين هم بهتر شود باز هم به زمان احتياج داريم تا به نتيجه مطلوب دست يابيم ما در كار خودمان با ريسك پذيري زيادي روبرو هستيم و هر شكست يك تجربه جديدي است ولي بعضي اوقات اين شكست ها سنگين بوده ولي خيلي سريع قضيه را حل مي كنيم .